

یادداشت روزانه (نمره هیجدهم)



امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

در آستانه‌ی هفتمین هفته‌ی پایداری و ایستادگی جامعه‌ی جوان و تحول طلب ما، هیچیک از ترفندهای نظام ره به جایی نبرده است. آنچه در نمای عمومی استان‌ها و شهرهای کشور دیده می‌شود، بازتولید شجاعت و جسارت در بین نیروی جوان دختر و پسر جامعه و زبونی، عقب نشینی در نیروی سرکوب است. برپایی چلم‌های پی در پی در کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان، مازندان، گیلان، تهران و استان مرکزی، استان البرز و در تک تک شهرهای کوچک و بزرگ این استان‌ها، صف ماندگاری و پابرجایی مقاومت را به ویژه میان دانشگاه‌ها و مدارس، خیابان‌ها و برپشت بام خانه‌ها، از دور افتاده‌ترین روستاها، در آرامستان‌ها و بر مزار جانفشانان خیزش سراسری مردم کشورمان، در برابر کلیت زبون نظام به نمایش می‌گذارد. تا به امروز رژیم نتوانست از هیچ ترفندی به نفع خود بهره برداری کند؛ نه تهدید خانواده‌ها و نه بستن راه‌های مسیر گورستان‌ها برای جلوگیری از حضور سوگواران، نه ربایش دختران و سر به نیست کردن جوانان و نه تهاجم احمقانه‌ی شبانه به خوابگاه‌های دانشجویان، هیچیک طرفی نبسته است.

حاکمیت ابله اسلامی، سرکوبی چلم‌های دیکتاتوری سلطنت پهلوی را خیلی زود از یاد برده! آنان فراموش کرده‌اند که سرکوب تبریز، اعلان حکومت نظامی و کشتار میدان ژاله، شعله‌های عصیان مردم را برابرقوای سرکوب گارد جاویدان شاه فروزان‌تر کرد. فراموش کرده‌اند که دیروز سرکوب خشن دانشگاه شریف و به آتش کشیدن زندان‌های لاکانی رشت و اوین تهران نتایج وارونه برجا نهاد و این همه نشان می‌دهد نه تهدید خانواده‌ها، نه واقعه‌ی تروریستی شاهچراغ شیراز، نه حتی تهدیدات ملت‌سازانه‌ی سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرماندهی سپاه پاسداران در "مراسم" کشته شدگان شاه چراغ شیراز، راه به جایی نبرد. اوطی تهدید زبانونه به جوانان گفت: «جوانان فریب خورده، بدانید تعدادتان اندک است و این انقلاب ریشه عمیق در خاک دارد. شرافقتان و وطنتان را نفروشید. مقابل رزمندگان‌تان نباشید. آنهایی که شب و روز سینه خود را آماج حملات می‌کنند و گاهی در اتفاقات در دمای زیر صفر درجه منجمد می‌شوند. یونیفرم و لباس آمریکا را از تن خود بیورید. مراقب باشید، دشمنان در حال فریب دادن شما هستند در این سرزمین به کسی اجازه ناامنی نمی‌دهیم لذا از خویشتن‌داری نظام سوءاستفاده نکنید و با کاسه صبر این ملت بازی نکنید.» سلامی در پرده‌ی دیگری از تهدیدات پوشالی خود افزود: «ما به جوانان وعده قلیل می‌گوییم که گول دشمن را نخورید، شرارت را پایان دهید. امروز روز پایان اغتشاشات است دیگر به خیابان نیایید. از جان ملت چه می‌خواهید؟...» (۱)

حسین سلامی مثل دیگر رهبران فاشیست در همه‌ی جهان، هنگامی که از مقابله با جنبش‌های مردمی عاجز و درمانده می‌شوند، روبه سوی توطئه می‌آورند. اما در مقابل، میلیون‌ها جوان ایرانی در کنار پدر و مادرهایشان، این حاکمیت را بر نمی‌تابند و فریاد بر می‌دارند: «مرگ بردیکتاتور» و «...آخوند باید گم

پشه» را سرمی‌دهند که خود گویای این برنتافتن است. سردار سلامی، این مجسمه‌ی فریه بلاهت، و این گند گاله دهان بی هیبت، که همواره اکنونش به فعل ماضی می‌رود، فریادهای آزادیخواهانه‌ی مردم ایران را به دشمنان خارجی نسبت می‌دهد؛ اگر دشمنان خارجی این چنین قادرند، این خود به روشنی بیانگر بی‌لیاقتی شما در اداره‌ی امور کشور است. هم از این روست که انبوه جوانان جامعه ما پای به میدان مبارزه نهاده‌اند و با شعار «جمهوری اسلامی، نمی‌خوایم، نمی‌خوایم» پیشاپیش تکلیف خود را با نکبت حکومت جهنمی اسلامی روشن نموده‌اند و در سایه و روشن این مبارزه بر شما یورش می‌برند: «ما زن و مرد جنگیم/ بجنگ تا بجنگیم»

گسترش اعتصابات کارگری، بازداشت‌های کارگران اعتصابی و اعلام حمایت‌های سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری کشورهای مختلف از آن‌ها؛ به پا خاستن دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور، اقبال همگانی و تأثیرگذار حضور در مراسم چهل‌های جانفشانان خیزش انقلابی و همگامی ایرانیان برون مرز با تحولات همه‌جانبه درون کشور، به اشکال مختلفی در سراسر جهان نمودی ویژه یافته است.

این رخداد درخیزش اخیر پرشور مردمان ایران، افکار عمومی جامعه‌ی میزبان را با جنبش انقلابی درون ایران همراه کرد که این خود دست‌آورد بزرگی بود که نمونه‌ی آن را در جنبش‌های پیشین برون کشور سراغ نداشتیم. بازتاب این هماهنگی درون و برون، سیاستمداران کشورهای مختلف را واداشت که فارغ از روش‌های مرسوم سیاسی دیپلماتیک، دست به اقدامات عملی برند. از جمله: راه ندادن سفیر جمهوری اسلامی ایران «احمد معصومی فر» در مراسم اهدای سالانه‌ی جایزه‌ی نوبل سال ۲۰۲۲ در سوئد، نمونه‌ی بارزی از این نوع دست‌آوردهاست!

انتشار بیانیه‌ی **کانون صنفی معلمان ایران (تهران)** و نیز نامه‌ی سرگشاده‌ی «#رضا_شهابی» چهره‌ی برجسته و شناخته شده‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوسرانی تهران و حومه از درون زندان اوین، بند ۴، سالن ۳، (۲)، پرده از همه‌ی رازهای سخیف و پشت پرده‌ی دستگاه امنیتی رژیم و بازجویان سناریوساز زندان برداشت و روسیاهی را بر روزی **نامه کیهان حسین شریعتمداری** و قلم زنانی در **هیكل روزنامه نگاران آزاد** که همپای آنان در پیرونده سازی برای **رضا شهابی** سهیم بودند، بجا گذاشت.

در بیانیه کانون صنفی معلمان: «درباره‌ی حکم محکومیت بدوی #محمد حبیبی، #رسول بدایی، #جعفر ابراهیمی» همان اتهامات تکراری است که به همه بازداشت‌شدگان زده‌اند «اجتماع و تبنای برای ارتکاب جرم علیه امنیت» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و ... همین اتهامات که یک تفسیر عام از آن کرده‌اند و به هر کسی که بخواهند پرونده‌ی برایش ایجاد کنند، می‌چسبانند. این افشاگری‌ها از طریق مبارزان درون زندان، هم راستای ادامه‌ی خیزش در شکل‌های خلاقانه‌ی گوناگون در خیابان‌ها و حمایت برون مرز از آن، همه و همه، این امیدواری را تقویت می‌کند که این خیزش و تحول خواهی مردم، در ادامه‌ی گسترش خود به سرانجامی مطلوب نزدیک می‌شود. از توش و توان سرکوب هر چه بیشتر می‌کاهد و بر اراده‌ی لازم برای پیروزی نهایی می‌افزاید، تا به جامعه جوان ما آزادی را ارزانی بدارد و شادی، رفاه و آبادانی برویرانه‌ی این نظام جهنمی به ارمغان آورد. آن روز دیر نیست. ایدون باد! دوشنبه ۹ آبان ۱۴۰۱ برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۲۲

<http://karegari.com>

(۱) سایت انتخاب، گفتار حسین سلامی در مراسم حمله تروریستی... هفتم آبان ۱۴۰۱

<https://www.entekhab.ir/fa/news/700836>

(۲) نامه سرگشاده رضا شهابی، فعال کارگری زندانی، بند ۴، سالن ۳، بازداشتگاه اوین

<https://t.me/vahedsyndica/4932>